***"نقش زنان در ارتقای سلامت اجتماعی در مسیر صلح و توسعه پایدار"***

شیدا مهنام

دکترای روابط بین الملل

همواره زنان و دختران با کلیشه‌ها و قالب‌های رفتاری و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی‌ای رو‌به‌رو هستند به نحوی که امکان دسترسی آنان به آموزش و منابع مالی برای پژوهش را محدود می‌سازد و در نتیجه اشتغال آنان را در مشاغل علمی محدود و مانع شکوفایی استعدادهایشان می‌شود. همچنین زنان در حوزۀ پژوهش و تصمیم‌گیری علمی همچنان در اقلیت هستند و فقر و بی‌عدالتی بیش از همه بر دوش زنان و دختران سنگینی می‌کند. آنان در خط مقدم تغییر اقلیم و آثار زیان‌بار ناشی از بلایای طبیعی قرار دارند. زنان و دختران ساکن مناطق محروم و روستایی بیش از همه در معرض آسیب هستند.

در صورتیکه سلامت جسم و روان زنان و نحوه مشارکت اجتماعی آنان هم تراز نقش آنها در تحکیم بنیان خانواده برای تولد، تربیت و پرورش فرزندان سالم و صالح و مسئولیت پذیر که آینده سازان جوامع می باشند از مهمترین عوامل ارتقای سطح کمی و کیفی سلامت اجتماعی به شمار می رود.

دستیابی به صلح و قدم برداشتن در مسیر توسعه پایدار و پیشرفت زمانی معنی‌ پیدا می‌کند که از ابتدا به رعایت حقوق و کرامت زنان پرداخته شود و این کار در سایۀ شکوفایی استعداد، نبوغ و نوآوری به وسیلۀ زنان و دختران و فرصت سازی اجتماعی برای آنها محقق می گردد.

خشونت علیه زنان نمونۀ بارزی از نقض جدی حقوق اساسی زنان و تهدیدی برای میلیون‌ها زن و دختر در سراسر جهان محسوب می‌شود. از هر سه زن در جهان حداقل یک نفر از آنان کتک خورده، با زور و ارعاب مورد آزار جنسی قرار گرفته و یا به شکل دیگری در طول زندگیش مورد سوء استفاده قرار گرفته است. جوامعی هستند که همۀ افراد آن تحت تأثیر خشونت، اعم از خشونت فیزیکی، جنسی (شامل آزار جنسی، ارعاب یا تبعیض) و روانی (به شکل لفظی یا سوء استفادۀ احساسی از قبیل زورگویی یا طرد شدن) قرار گرفته‌اند.

همچنین موضوع تغییر اقلیم و کمبود منابع به عنوان عوامل ایجاد کنندۀ خشونت علیه زنان در منزل، خیابان و در هنگام بروز بلایای طبیعی تأکید دارد.

تغییر اقلیم میزان تهدید را چندبرابر می‌کند. تغییر اقلیم می‌تواند باعث افزایش مهاجرت و جابه‌جایی افراد و همچنین کاهش رشد غلات، سیل و افزایش فشار در منازل شود و بر امرار معاش افراد تأثیر می‌گذارد. مطالعات نشان می‌دهد که در آسیا مسئولیت ۶۵ درصد از تولید مواد غذایی مورد استفادۀ خانوارها بر عهدۀ زنان است. این مقدار در جنوب صحرای آفریقا به ۷۵ در صد و در آمریکای لاتین به ۴۵ درصد می‌رسد. در اغلب موارد این نقش سنتی زنان (و نوع فعالیت‌های) آنان است که آنان را در معرض مخاطرات بیشتر ناشی از تغییر اقلیم قرار می‌دهد. آنان در طول مسیر ده‌ها کیلومتری که برای تأمین غذا، آب و هیزم برای خانواده در روز طی می‌کنند و یا به ‌علت جا‌به‌جایی‌ها یا فقری که پس از بروز بلایای طبیعی متحمل آن می‌شوند، بسیار آسیب‌پذیر می‌شوند. از بین رفتن منبع درآمد و فقر (ناشی از آن) می‌تواند به‌واسطۀ بروز فشار اقتصادی، عامل افزایش خشونت گردد.

در این مقاله سعی نگارنده بر این است تا با تاکید بر دو شاخص ارتقای آگاه سازی زنان از مهارتهای اجتماعی و آموزش فراگیر بتوان بر نقش این دو عامل با تکیه بر مهارت آموزی و حفظ سلامت جسم و روان زنان، موجبات ارتقای توانمندسازی در کنار فرصت سازی برای زنان به عنوان یک مسئولیت اجتماعی موجبات ارتقای سلامت اجتماعی را فراهم آورد.